

ترجمه و تعریب

در این بخش می‌خوانیم

یکی از ساده‌ترین مباحث، مبحث ترجمه است که تعداد تست‌هاش هم بالاست! یکی از معضلات بچه‌ها به‌فصوص در کتاب‌های نظام‌پرید، نداشتن درسامه برای مبحث ترجمه است که در این کتاب، جامع‌ترین و کامل‌ترین درسامه در قالب ۳۰ گفتار آورده شده و در پایان جمع‌بندی چهار صفحه‌ای از کل آن‌ها را آورده‌یم که کتابموند کامل باشه. در این بخش تلاش کردیم غالب تست‌های کنکور سال‌های گذشته رو در مبحث ترجمه گردآوری و دسته‌بندی مناسب کنیم، مگر باهایی که در کتاب نظام‌پرید اضافه شده بود که از آن‌ها تست تالیف کردیم. یکی از ویژگی‌های منمهر به‌فرد این کتاب، دسته‌بندی مطالب است که کمک شایانی به شما می‌کنه و می‌تونید پله‌پله و قبلی فوب و عمقی، مباحث را یاد بگیرید و از هیچ مطلبی غافل نشید. در نهایت هم تست‌های ترکیبی آوردیم که وقتی مطالب را تک‌تک خونید و یاد گرفتین و دوره کردین به حل آن‌ها بپردازین!

گفتار ۱ | اضافه یا کم ترجمه کردن ممنوع

به هیچ عنوان نباید در ترجمه، هیچ چیزی را زیاد یا کم ترجمه کنیم و مواظب باشیم هیچ کلمه‌ای بدون ترجمه باقی نماند یا هیچ کلمه‌ای را اضافه ترجمه نکنیم.

السلام علی عباد الله الصالحین!

سلام بر بندگان صالح خدا ✓	سلام بر بندگان صالح ✗
تمامی کلمات ترجمه شده و درست است.	«الله» ترجمه نشده و معنی نادرست است.

بیابین بریم داخل تست تا بهتر متوجه بشین!!! اونجا کامل روشن می‌شین!!! ولی همین نکته ساده قبلی کل‌گشاست!

تستولوژی؟

- «مَنْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ الْأَنْبِيَاءِ الْحَقِّ قَلِيلُونَ؛ أَوْلَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ وَ الْمُرْشِدُونَ إِلَى طَرِيقِ الْحَقِّ!»:

- آن‌ها که سخنان درست را از پیامبران شنیده‌اند، کم می‌باشند؛ و آنان رستگارانند که به طریق حق راهنمایی شده‌اند!
- کسانی که سخن حق انبیا را می‌شنوند، اندک هستند؛ آن‌ها همان رستگاران و هدایت‌شدگان به راه حق می‌باشند!

۳) آن‌ها که حقیقتاً کلام انبیا را بشنوند، اندک هستند؛ این **انسان‌ها همان رستگاران و هدایت‌شدگان** به مسیر حق و خدا هستند!

۴) کسانی که سخن حق را از انبیا بشنوند کم‌اند؛ ولی این **انسان‌ها** همان رستگاران هستند که به راه حق هدایت شده‌اند!

پاسخ ۲ | «الفائزون» به معنی «رستگاران» می‌باشد که در

گزینه «۱» به صورت «رستگاران» آمده است و نادرست می‌باشد،

«الْمُرْشِدُونَ» معنی «هدایت‌شدگان» می‌دهد، اما در گزینه‌های

«۱» و «۴» درست ترجمه نشده است. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

«خدا» که در گزینه «۳» آمده، اضافه است، چون در عبارت عربی

«الله» وجود ندارد. گفتیم که نباید چیزی اضافه ترجمه شود، پس

این گزینه هم غلط است. [رد گزینه «۳»]

«انسان‌ها» که در گزینه‌های «۳» و «۴» آمده، اضافه است و در

عبارت عربی «الإنسان» وجود ندارد. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

گفتار ۲ ترجمه ((مصدر)) به صورت ((فعل)) و بالعکس ممنوع

گفتار ۲

در بحث ترجمه به هیچ عنوان نباید «فعل» را به صورت «اسم» یا «مصدر» و یا «مصدر» را به صورت «فعل» ترجمه کنیم؛ یارتونه که مسررها کلماتی مثل «رفتن، برن، نوشتن، ساختن...» بوزن!

دَهَبَ: رفت - رفتن	دَهَبَ «فعل» فعل است و نباید مصدری ترجمه شود.
يُدْهَبُ: می رود - رفتن	يُدْهَبُ «فعل» فعل است و نباید مصدری ترجمه شود.
دَهَابٌ: رفت - می رود - رفتن	دَهَابٌ «مصدر» است و نباید به صورت فعل ترجمه شود.

این مطلب شامل باب‌های ثلاثی مزید هم می‌شود؛ یعنی باید مصدر باب‌ها را کامل بلد باشید و بتوانید آن‌ها را از فعل تشخیص دهید. برای اینکه اشتباه نکنید، مصادر باب‌های مختلف را با چند مثال برای شما می‌آوریم و بعد با هم تست حل می‌کنیم.

باب «مصدر»	مثال	معنی
إِفْعَالٌ	إِيمَانٌ	ایمان داشتن
مُفَاعَلَةٌ	مُكَاشَفَةٌ	مکاشفه کردن
تَفْعِيلٌ	تَكْذِيبٌ	تکذیب کردن
تَفْعُلٌ	تَقَدُّمٌ	پیشرفت کردن
إِسْتِفْعَالٌ	إِسْتِشْهَادٌ	شهادت دادن
إِفْتِعَالٌ	إِنْتِشَارٌ	منتشر کردن
إِنْفِعَالٌ	إِنْقِلَابٌ	دگرگون شدن
تَفَاعُلٌ	تَطَاهُرٌ	تظاهر کردن

تست‌لوزی ؟

- «الیوم حاولت أن أعطی ذلك العامل هدیةً تقلل من تعب عمله!»:

(تمرین ۹۲)

۱) تلاش من امروز این بود که با دادن هدیه‌ای به آن کارگر، از سختی کارش بکاهم!

۲) امروز تلاش کردم به آن کارگر هدیه‌ای بدهم که از سختی کارش کم کند!

۳) امروز سعی نمودم که با دادن هدیه، از سختی کار آن کارگر، بکاهم!

۴) با تلاش امروز در دادن هدیه به آن کارگر، سختی عمل او کم شد!

پاسخ ۲ «أعطی» فعل است و به هیچ عنوان نباید به صورت «مصدر» ترجمه شود، پس «دادن هدیه‌ای / دادن هدیه» غلط است؛ چون «مصدر» است. [رد سایر گزینه‌ها]

تقلل ← کم کند (این فعل به «هدیه» مربوط می‌شود و در صیغه «للغائبه» ترجمه می‌شود). [رد سایر گزینه‌ها]

«حاولت» فعل است و باید به صورت فعل «تلاش کردم / سعی نمودم»

ترجمه شود، نه به صورت مصدر و اسم. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

اشتباهات متداول

ترکیب «أن + مضارع» می‌تواند به صورت «مضارع التزامی» یا «مصدر» ترجمه شود، «مصدر» نیز می‌تواند به صورت «مضارع التزامی» ترجمه شود.

علینا أن نذهب إلى المدرسة!	مضارع التزامی: باید به مدرسه برویم.
مصدر: رفتن به مدرسه بر ماست.	
علینا الذهاب إلى المدرسة!	مضارع التزامی: باید به مدرسه برویم.
مصدر: رفتن به مدرسه بر ماست.	

گفتار ۳ ترجمه ضمیر

گفتار ۳

همان‌طور که می‌دانید ضمایر انواع مختلفی دارند، الآن با هم یک دوره روی انواع ضمیرها انجام می‌دهیم:

۱) ضمایر منفصل مرفوعی: هو / هما / هم...

۲) ضمایر متصل مرفوعی: ذهبوا / ذهبین...

۳) ضمایر منفصل منصوبی: إیاه / إیاهما...

۴) ضمایر متصل منصوبی / مجروری: ه / هما / هم...

حالا که انواع ضمیر را با هم دوره کردیم، نوعی از ضمیر که کاربرد بیشتری در ترجمه دارد «ضمایر متصل منصوبی / مجروری» است، این ضمایر می‌توانند به فعل یا اسم یا حرف بچسبند و در ترجمه خیلی اثرگذار هستند؛ پس بیابین به صورت کامل تر روش بحث کنیم و ببینیم در ترکیب با فعل، اسم و حرف چه‌طوری ترجمه می‌شود!

ضمیر	ترجمه ضمیر	ت ترکیب با فعل	ت ترکیب با اسم	ت ترکیب با حرف
ه	ش	می زند او را	قلم او	له
هما	شان	می زند آن دو / آن‌ها را	قلم آن دو / آنها	لهما
هم	شان	می زند آنها را	قلم آنها	لهم
ها	ش	می زند او را	قلم او	لها

مفهوم

در این بخش می‌خوانیم

به سؤال از سؤالات کنکورتون از مفهوم طراحی میشه! این مبحث در واقع فهم عبارت عربی و مرتبط کردن آن با سایر عبارات عربی و بیته‌ها و ضرب‌المثل‌هاست! برای پاسخ دادن به این سؤال، تمام عبارت‌های مهم کتاب‌های درسی در پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم را به همراه ترجمه و مفهوم هر کدام براتون آوردیم.

دهم درس اول

عبارت: «وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»

ترجمه: و برای من در میان آیندگان، یاد نیکویی قرار بده.

مفهوم: بر جای ماندن نام نیک از آدمی پس از مرگش!

عبارت: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ»

ترجمه: ای کسانی که ایمان آوردید، چرا می‌گویید آن چه را که انجام نمی‌دهید؟

مفهوم: یکسان نبودن حرف و عمل! / اهمیت عمل به گفته‌ها!

عبارت: «إِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكِ مِنَ فِي السَّمَاءِ!»

ترجمه: به کسی که در زمین است رحم کن، تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند.

مفهوم: رحم کن تا رحم ببینی!

عبارت: «أَنْظُرْ إِلَىٰ مَا قَالُوا لَا تَنْظُرْ إِلَىٰ مَنْ قَالُوا»

ترجمه: به آن چه گفته است بنگر و به کسی که گفته است، ننگر.

مفهوم: به کلام و ارزش آن توجه کن، نه به اینکه چه کسی آن را بیان می‌کند.

عبارت: «إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ!»

ترجمه: هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان هلاک می‌شوند.

مفهوم: اگر شایستگان نباشند، کار به دست انسان‌های پست می‌افتد و بالعکس!

عبارت: «مَنْ زَرَعَ الْعَدْوَانَ حَصَدَ الْخَسْرَانَ!»

ترجمه: هر کس دشمنی بکارد، زیان درو می‌کند.

مفهوم: سرانجام بدی؛ پشیمانی است! / هر چه کنی به خود کنی!

عبارت: «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ!»

ترجمه: سخن مانند داروست، کم آن سود می‌رساند و زیادش کشنده است.

مفهوم: دعوت به کم صحبت کردن!

عبارت: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالضَّيْنِ فَإِنَّ طَلِبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ!»

ترجمه: علم را بیاموزید اگر چه در چین باشد؛ چرا که طلب دانش، واجب است.

مفهوم: دعوت به فراگیری علم و تحمل سختی‌ها در راه آن.

عبارت: «وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»

ترجمه: و کار نیکو انجام دهید، به درستی که من به آنچه انجام می‌دهید دانا هستم.

مفهوم: خدا، دانای نهان و آشکار است و همه چیز را می‌داند.

عبارت: «وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»

ترجمه: و خداوند به آنها ستم نکرد، ولی آنها به خودشان ستم می‌کردند.

مفهوم: خدا به کسی ظلم نمی‌کند، بلکه انسان‌ها هستند که به خودشان ظلم می‌کنند. «(از ماست که بر ماست).»

عبارت: «إِذَا قَدَرْتَ عَلَىٰ عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ!»

ترجمه: هرگاه بردشمنت توانا شدی، بخشش او را شکرانه قدرت بر او قرار بده.

مفهوم: پرهیز از انتقام! / بخشش به جای انتقام.

عبارت: «الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ!»

ترجمه: دنیا دو روز است، روزی برای توست و روزی علیه تو.

مفهوم: دنیا در گذر است و دائم بر مراد یک نفر نمی‌چرخد!

عبارت: «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا!»

ترجمه: برای دنیایت چنان کار کن گویی تو همیشه زندگی می‌کنی و برای

آخرت چنان کار کن گویی فردا می‌میری.

مفهوم: دنیا به سرعت می‌گذرد / آمادگی برای مرگ!

«امید به زندگی دنیوی و مهیا بودن برای زندگی اخروی در هر لحظه.»

عبارت: لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ وَ لَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْخَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ!

ترجمه: به بسیاری نمازشان و روزه‌شان و زیادی حج‌شان نگاه نکنید؛ بلکه به راستگویی و امانتداری آنها توجه کنید.

مفهوم: دعوت به راستگویی و امانتداری!

عبارت: رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا

ترجمه: پروردگارا؛ این را بیهوده نیافریدی.

مفهوم: هیچ کار خدا بیهوده نیست و تمام کارهایش از روی حکمت است. «هدفمند بودن نظام خلقت.»

عبارت: مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا / فِي الْجَوْثِ مِثْلَ الشَّرَرَةِ!

ترجمه: این کیست که آن را در هوا، مانند پاره آتش به وجود آورده است؟

عبارت: أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ / أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ!

ترجمه: به شب نگاه کن؛ چه کسی در آن ماهش را به وجود آورد؟

عبارت: وَ أَنْظُرْ إِلَى النَّجْمِ فَمَنْ / أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ!

ترجمه: و به ابر نگاه کن؛ چه کسی از آن بارانش را فرود آورد؟

عبارت: وَ زَائِهِ بِأَنْجُمٍ / كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ!

دهم درس دوم

عبارت: تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً!

ترجمه: ساعتی اندیشیدن، بهتر از عبادت هفتاد سال است.

مفهوم: اهمیت فکر کردن و تفکر

عبارت: مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا

ترجمه: هر کس کار نیک بیاورد، پس ده برابر مانند آن [ثواب] برایش است.

مفهوم: پاداش کار نیک ده برابر آن است / کرامت خدا. «معامله با خداوند پرسودترین معامله است.»

عبارت: مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ

ترجمه: هر چه را که از کار نیک برای خودتان پیش بفرستید، نزد خدا آن را می‌یابید.

مفهوم: دنیا مزرعه آخرت است.

عبارت: قَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا الْهَيْبَةَ مِنْ أَحَدٍ إِنَّهَا هِيَ إِلَهُ وَاحِدٌ

ترجمه: خداوند فرمود: دو معبود انتخاب نکنید؛ معبود شما همان خدای یکتاست.

دهم درس سوم

عبارت: النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا

ترجمه: مردم در خوابند، چون بمیرند بیدار می‌شوند.

مفهوم: مرگ آغاز بیداری است!

عبارت: وَ اضْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ

ترجمه: در برابر آنچه (دشمنان) می‌گویند شکیبا باش و از آنها دوری کن.

مفهوم: دعوت به صبر و شکیبایی.

عبارت: فَاسْتَغْفِرُوا لذنوبِهِمْ وَ مَنْ يَغْفِرِ الذَّنْبَ إِلَّا اللَّهُ

ترجمه: برای گناهان‌شان آمرزش خواستند و چه کسی جز خدا، گناهان را می‌بخشد؟

مفهوم: خدا آمرزنده و مهربان است. / دعوت به آمرزش خواهی از درگاه خدا.

عبارت: فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانظُرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ

ترجمه: و آن را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده زینت بخشید؟

عبارت: فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا التَّمْرَةَ!

ترجمه: پس جست‌وجو کن و بگو: این چه کسی است که از آن میوه را بیرون می‌آورد؟

مفهوم: نشانه‌های خدا در مخلوقات و سرتاسر کائنات وجود دارد!

عبارت: ذُو حِكْمَةٍ بِالْعِزِّ / وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٍ!

ترجمه: دارای دانشی کامل و قدرتی پر توان است.

مفهوم: خدا دانا و حکیم است و همه چیز را می‌داند. «حکمت الهی»

عبارت: رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ!

ترجمه: پروردگارا ما را همراه قوم ظالمان قرار نده

مفهوم: دوری از گروه ظالمان و ستمکاران.

عبارت: قَوْلٌ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ!

ترجمه: گفتن «نمی‌دانم» نیمی از علم است.

مفهوم: ضرورت گفتن «نمی‌دانم» در مواردی که نمی‌دانم.

عبارت: «... وَ لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا...»

ترجمه: خودکشی نکنید. خداوند نسبت به شما مهربان است.

مفهوم: پرهیز از خودکشی و قتل نفس.

مفهوم: خدا یکتا و واحد است.

عبارت: «... رَبِّي أَعْلَمُ ... مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ...»

ترجمه: پروردگارم آگاه‌تر است ... جز اندکی آن‌ها را نمی‌دانند.

مفهوم: خدا دانای نهران و آشکار است.

عبارت: «مَنْ إِلَهَ غَيْرِ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَضِيَاءٌ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»

ترجمه: آیا معبودی جز خدای توان‌روشنایی برای شما بیاورد؟ آیا نمی‌شنوید؟

مفهوم: تنها آفریننده و تغییردهنده حالات خداست و او می‌تواند در جهان و انسان تغییرات ایجاد کند.

عبارت: سَنَتَعَاوَنُ جَمِيعًا عَلَى الْعَمَلِ بِهَذَا الْحَدِيثِ!

ترجمه: همگی در عمل به این حدیث با یک‌دیگر همکاری خواهیم کرد.

مفهوم: دعوت به اتحاد و همکاری.

ترجمه: بگو غیب فقط از آن خداست؛ پس منتظر باشید که من [هم] همراه

شما از منتظران هستم.

مفهوم: خدا دانای آشکار و نهران است.

عبارت: «وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ»

ترجمه: و هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم.

مفهوم: روش دعوت هر پیامبر متناسب با درک و فهم مردم خودش

بوده است.

عبارت: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ»

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ دشمن من و دشمن خودتان را

دوست نگیرید.

مفهوم: ضرورت شناختن دشمن.

مَنو لوزی

در این بخش می‌خوانیم

با لغات ناآشنا در متن چه کنیم؟
 تیپ‌های سوالات درک مطلب
 بررسی درک مطلب کنکورهای سراسری

با لغات ناآشنا در متن چه کنیم؟

برای فهمیدن لغات ناآشنا در متن، راه‌هایی وجود دارد که عبارتند از:

- ۱) تقلب طراح
- ۲) ریشه‌یابی
- ۳) حدس‌سنگ
- ۴) فارسی بودن بسیاری از جاهای متن

و در این قسمت قصد داریم هر یک از این موارد را بررسی کنیم:

۱. تقلب طراح

گاهی اوقات اگر لغتی برای شما نامأنوس و نامفهوم باشد، طراح یا آن را معنی می‌کند، یا معادلش را به عربی می‌نویسد و یا توضیحی درباره آن می‌دهد که شما به معنی آن لغت پی ببرید که در اینجا قصد داریم به توضیح این مطالب بپردازیم:

۱- معنی کردن

گاهی اوقات طراح خیلی شیک و مجلسی، معنی آن کلمه را برایتان می‌نویسد؛ به مثال‌های زیر دقت کنید:

هنر ۹۷
 و هو أن یذوب الذهب في مادة تُسمى بـ الزئبق (جیوه)!
 خیلی شیک، طراح «الزئبق» را «جیوه» معنی کرده است.

تجربی ۹۸
 ... بواسطة القنوات أو الأنابيب (لوله‌ها)!
 طراح برایتان معنی «الأنابيب: لوله‌ها» را نوشته است.

۲- نوشتن معادل یا مترادف و متضاد

گاهی اوقات طراح برای حدس کلمه برای شما، مترادف یا متضاد و یا جمع یا مفرد آن را می‌نویسد:

تجربی ۸۸	المحاكاة (التقليد)، إحدى و سائل التعرف على أشياء جديدة! شما معنی «المحاكاة» را نمی‌دانید، ولی از روی «التقليد» پر واضح است که معنی «تقلید / پیروی کردن» می‌دهد.
انسانی ۸۸	فبناء على هذا نرى أنَّ حاملِي لواء (رأية) الأدب العربي! دانش‌آموزان معمولاً معنی «لواء» را نمی‌دانند، ولی از روی «رأية» واضح است که معنی «پرچم / علم» دارد.
خارج ۸۹	... تشاهد على البضائع (الأشياء) تدلُّ على حسن صياغة...! طراح چون احتمال داده دانش‌آموز معنی «البضائع» را نداند، به شما «الأشياء» را داده که بفهمید معنی «کالاها / اشیا» دارد.
زبان ۹۰	حيث يَمَلأ الزورق بالماء لينخفض (مُنْدُ) «ارتفع»! دانش‌آموزان معنی «ينخفض» را نمی‌دانند، ولی طراح «مُنْدُ «ارتفع» را داده که بفهمید معنی «کم شدن / پایین آمدن» دارد.
انسانی ۹۲	يترك عمله ليواظب خَلِيَّتِه (بيتِه) كي لا تسقط! طراح احتمال داده است که دانش‌آموز معنی «خَلِيَّتِه» را نداند، به همین دلیل «بيتِه» را داده که از روی آن بفهمید معنی «خانه / مکان» می‌دهد.
ریاضی ۹۶	إضافة إلى ذلك كان الإيرانيون من رُوَاد (ج رائد) تلك النهضة! چون دانش‌آموزان معنی «رُوَاد» را نمی‌دانند، طراح مفرد آن را برایتان نوشته است تا به وسیله آن به معنی «پیشگامان» پی ببرید.

ریاضی ۹۱	و كان من آماله أن يرى حقله مليئاً بالأشجار! در بحث لغت «إمْتَلَأَ، يَمْتَلِئُ» را داشتید که معنای «پر شدن» داشت؛ پس «مليئاً» هم معنی «پر شدن» می‌دهد.	فيسرع إلى الابتعاد أو إلى اتّخاذ الحيلة المناسبة لاصطياد (صيد) طعمته! خارج ۹۶ طراح می‌داند که دانش‌آموز معنی «اصطياد» را نمی‌داند و برای همین «صيد» را داده که از روی آن بفهمد معنی «صيد کردن» دارد.
ریاضی ۹۱	مَرَّتْ الأَيَّامُ وَ مَضَّتْ السَّنَوَاتُ! در بحث مترادف و متضاد در لغت و واژه، احتمالاً «مَضَى، يَمْضِي» را شنیده‌اید که معنی «گذشتن» داشت؛ پس «مَضَّتْ» هم، معنی «گذشت» می‌دهد.	ریاضی ۹۸ فمن أنواعه نخيل التمر الذي يُعتبر (يُعَدُّ) من أهمها! از فعل «يُعَدُّ» که در بحث لغت و واژه خوانده‌اید، واضح است که «يُعتبر» معنی «به شمار می‌آید / به حساب می‌آید» دارد.
تجربی ۹۱	سألته مازحاً عن رأيه، فبدأ يوضح! از روی «توضیح دادن» می‌توانید بفهمید که «بدأ يوضح» معنی «شروع به توضیح دادن کرد» می‌دهد.	تجربی ۹۸ تغذيتها بمياه العيون المتعددة و الآبار (جمع بئر)! از روی «بئر» که در بحث لغت و واژه خوانده‌اید، می‌توانید تشخیص دهید که «الآبار» جمع و به معنی «چاه‌ها» است.
تجربی ۹۱	فسألوا عن حياته و عن المدرسة التي تلقى فيها دروسه! در فیزیک بحث «الفا» را داشتید که مثلاً می‌گفتید جریان در فلان جسم القا شد، یعنی فلان جسم جریان را دریافت کرد، لذا از آن می‌توانید بفهمید «تلقى» معنی «دریافت کرد» می‌دهد.	۳- توضیح دادن گاهی اوقات طراح برایتان راجع به کلمه‌ای توضیح می‌دهد تا از روی آن توضیح، به معنی آن کلمه پی ببرید؛ به مثال‌های زیر توجه کنید.
خارج ۹۱	إستضعفوك فذبحوك! از روی «ضعف / ضعيف» خیلی واضح است که «إستضعفوك» معنی «تو را ضعیف یافتند» می‌دهد.	زبان ۸۹ أشاروا إلى أنه لا بد من وجود جزر معمورة (جزيرة فيها عمران)! ممکن است دانش‌آموز معنی «معمورة» را نداند و برای همین، طراح توضیح آن را داده است که از روی توضیح «جزيرة فيها عمران: جزیره‌ای که در آن آبادی است.» می‌توانید بفهمید «معمورة» معنی «آباد» می‌دهد.
خارج ۹۱	سفينة الحياة تعلقو في زمن و تهبط في زمن آخر! تعلقو: از روی «عالی، أعلى» خیلی شیک می‌توانید بفهمید که «تعلقو» معنی «بالا می‌رود، زیاد می‌شود» می‌دهد. تهبط: لغت «هَبَطَ / يَهْبِطُ» را در بحث لغت داشتید؛ پس «تهبط» معنی «پایین می‌آید» می‌دهد.	انسانی ۹۰ أ رأيت طائراً واقفاً على سلك (ما يمز به الكهرياء) من دون أن يهدده خطر؟! از روی توضیح «ما يمز به الكهرياء: آنچه از درون آن برق می‌گذرد»، واضح است که «سلك» معنی «سیم برق / سیم» می‌دهد.
ریاضی ۹۲	أحدهم قَوْل لا ينتج غير الكلام! قَوْل: از روی «قال، يقول» واضح است که «قَوْل» معنی «پرتو / پر حرف» می‌دهد. «ينتج»: هم‌ریشه‌ی آن «نتیجه» است؛ پس واضح است که با حرف «لا» معنی «نتیجه‌ای ندارد» می‌دهد.	خارج ۹۰ الملح يساعده على ذوب بعض الجليد (الماء المنجمد عند البرودة)! از روی توضیح «الماء المنجمد عند البرودة: آب یخ‌زده در سرما» واضح است که «الجليد» معنی «یخ» می‌دهد.
ریاضی ۹۲	و الثالث يفاجئ الناس بعمله دون أن يتكلم! از روی «فجأة: ناگهان» که در بحث لغت داشتید، می‌توانید بفهمید که «يفاجئ» معنی «غافلگیر می‌کند» می‌دهد.	ریاضی ۹۵ أجريت على أكبر شبكة خيوط العنكبوت (ما تصنعه العنكبوت كبيت لها)! از روی توضیح «ما تصنعه العنكبوت كبيت لها: آنچه عنكبوت مانند خانه برای خود می‌سازد.» واضح است که «شبكة خيوط» معنی «تار عنكبوت» دارد.
ریاضی ۹۲	و لكتهم بعد زمن يُفشي سرهم! از روی «فاش شدن» که در فارسی هم به کار می‌بریم، واضح است که «يُفشي» به صورت مجهول و «فاش می‌شود» معنی می‌دهد.	ریاضی ۹۷ تصنع أنثى الصقر بيضها (ما يتولد منه المولود)! از روی توضیح «ما يتولد منه المولود: آنچه فرزند از آن متولد می‌شود»، واضح است که «بيض» معنی «تخم» دارد.
ریاضی ۹۲	هو يستعين على قضاء أموره بالكتمان و يرجح العمل بالصمت! يستعين: در نماز می‌گوییم «إياك نستعين: فقط از تو کمک می‌خواهیم» که خیلی واضح است معنی «کمک می‌خواهد» می‌دهد. يرجح: از روی «ترجیح دادن» که در فارسی به کار می‌بریم، واضح است که «يُرجح» معنی «ترجیح می‌دهد» دارد.	۲. ریشه‌یابی یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین تکنیک‌های حدس لغات ناآشنا، ریشه‌یابی و استفاده از کلماتی است که به هر نحوی معنای آنها را به دلیل نزدیک بودن ریشه‌ی کلمات می‌دانید. فکر نکنید که این کار راحتی است؛ بلکه تکرار و تمرین فراوان می‌خواهد. الآن تعداد زیادی تک جمله از متن‌های سال‌های اخیر را برایتان بررسی می‌کنم و در انتها «۳» متن را به صورت کلی با هم بررسی کرده و لغاتی از آنها را ریشه‌یابی می‌کنیم تا برای شما روشن‌تر شود.

تَخْلِيلُ صَرْفِيٍّ وَمَحَلُّ اِعْرَابِيٍّ

در این بخش می‌خوانیم

تحلیل صرفی اسم
تحلیل صرفی فعل
تحلیل صرفی حرف

درود به همگی! سه تا سؤال راحت از تحلیل صرفی در عربی عمومی تون میاد! معمولاً یک سؤال از تحلیل صرفی اسم و دو سؤال از فعل و سه سؤال (۴) تابی هم در عربی اختصاصی تون میاد! نگاه به ظاهر طولانی و بد بدنشون نکنین! خیلی راحت حل میشن! فقط کافیه تکنیک‌هاش رو بلد باشین.

گفتار ۱

تحلیل صرفی اسم

تحلیل صرفی اسم

برای تحلیل صرفی «اسم»، اول باید برونیم پیا اسم مسوب میشن. باید برونین موارد زیر اسم هستن:

- ۱ تمامی کلماتی که «ال» یا «ة» یا «تنوین» داشته باشند: المسلمة / تلميذاً...
 - ۲ تمامی «مصدر» های ثلاثی مجرد و مزید: صبر / تقديم / مجاهدة...
 - ۳ قیده‌های «مکان» و «زمان»: عند / قبل / بعد / أمام / تحت....
 - ۴ اسامی «اشاره»: هذا / هذه / أولئك / تلك...
 - ۵ انواع «ضمیر»: هو / هما / هم / ك / كما / كم...
 - ۶ کلمات «پرسشی» به جز «هل» و «أ»: أين / كيف / من / ما...
- حالا که شناختیم اسم شامل چه مواردی میشه، باید «جنس اسم / عدد اسم / وزن های مهم اسم / معرفه و نکره» را بشناسیم.

جنس اسم

جنس اسم در عربی به «مذکر» و «مؤنث» دسته بندی می‌شود که در اینجا قصد داریم آنها را بشناسیم:

مذکر

اسمی است که بر جنس «نر» دلالت دارد؛ مانند ← محمود، الثور، الذئب و... اسم مذکر به دو دسته حقیقی و مجازی تقسیم می‌شود:

۱. مذکر حقیقی

اسمی است که بر نام یا صفت انسان و یا حیوان نردلالت می‌کند و مخصوص جانداران است؛ مانند ← محمد، علي، حسن، الثور، الذئب و ...

۲. مذکر مجازی

اسمی است که بر جنس نردلالت نمی‌کند و مخصوص غیرجانداران است، اما قواعد اسم مذکر در مورد آن به کار می‌رود؛ مانند ← القلم، الباب، الكتاب، الدفتر و ...

مؤنث

اسمی است که بر جنس «ماده» دلالت دارد؛ مانند ← خديجة، فاطمة، البقرة، الدجاجة. اسم مؤنث نیز به دو دسته حقیقی و مجازی تقسیم می‌شود:

۱. مؤنث حقیقی

اسمی است که بر نام یا صفت انسان و یا حیوان ماده دلالت می‌کند و مخصوص جانداران است. مانند ← المعلمة، الأخت ...

۲. مؤنث مجازی

اسمی است که بر جنس ماده دلالت نمی‌کند و مخصوص غیرجانداران است، اما قواعد اسم مؤنث در مورد آن به کار می‌رود؛ مانند ← الشمس، المنضدة، المدرسة، الشجرة و ...

نشانه‌های مؤنث مجازی

- ۱ تاء مربوطه «ة»؛ مانند ← المدرسة / الشَّجرة / ...
- ۲ الف ممدوده «اء»؛ مانند ← زَهراء / صحراء / زرقاء / ...
- ۳ الف مقصوره «ى، ا»؛ مانند ← كُبرى / صُغرى / دُنيا / ...
- ۴ بیشتر اعضای زوج بدن؛ مانند ← يد / رجل / عین / اذن ...
- ۵ اسم «کشورها/ شهرها» مانند ← ایران / طهران ...
- ۶ اسم‌های بدون قاعده مهم ← «الأرض: زمین» - «السَّماء: آسمان» - «السَّمس: خورشید» - «التَّار: آتش» - «الدَّار: خانه» - «التَّفْس: جان» - «حَرْب: جنگ» - «البئر: چاه» ...

اشتباهات متداول

ملاک «مذکر» یا «مؤنث» بودن کلمات، صورت «مفرد» کلمه است؛ پس برای تشخیص «مذکر» یا «مؤنث» بودن باید به «مفرد» کلمه دقت کنید:

- فقهاء مفرد فقیه «مذکر»
- أطباء مفرد طیب «مذکر»
- المدارس مفرد المدرسة «مؤنث»
- الجُزر مفرد الجزيرة «مؤنث»
- الطَّلِبَة مفرد الطالب «مذکر»
- إخوة مفرد أخ «مذکر»
- أشعَّة مفرد شعاع «مذکر»
- اصحاب مفرد صاحب «مذکر»

تست‌ولوژی

- هي سنة جارية بأن الدنيا لا تهدأ بعباء تعطيه!:

(۱) اسم تفضیل - نكرة

(۲) اسم - مفرد - مؤنث - معرّف بأل

(۳) مذکر - اسم مبالغة - معرّف بأل

(۴) مفرد - مذکر - اسم مکان

پاسخ ۲ «دنیا» در انتهایش «الف مقصوره» دارد و مؤنث است. [ردگزینه‌های «۳» و «۴»]

«الدنیا» چون «ال» دارد، معرفه است. [ردگزینه «۱»]

عدداسم

- ۱ مفرد ۲ مثنی ۳ جمع

۱. مفرد

اسمی است که بر یک فرد (شخص / حیوان / شیء...) دلالت می‌کند؛ مثل: «کتاب / جمیل / وردة...»

۲. مثنی

اسمی است که بر دو فرد (شخص / حیوان / شیء...) دلالت دارد و دارای دو علامت «ان / ین» است.

اشتباهات متداول

کلماتی مثل «دوران: چرخیدن» / «إحسان: نیکی کردن» / «أبدان: بدن‌ها» / «ألوان: رنگ‌ها» / «إخوان: برادران» / «سليمان / شعبان / رمضان / عثمان / ایمان» / «أديان: دین‌ها» / «أسنان: دندان‌ها» / «طيران: پرواز» / «غزلان: آهوها» / «شجعان: شجاع‌ها» / «عُفْران: بخشش» / «حیران: سرگردان» / «شیطان: شیطان» / «غضبان: خشمگین» / «عطشان: تشنه» / «کسلان: تنبل» / «طغیان: طغیان» / «جریان: جریان» / «جوعان: گرسنه» با اینکه انتهایشان «ان» دارند، ولی «مثنی» نیستند، برای اینکه درست تشخیص دهید، باید «ان» را حذف کنید، اگر مفرد کلمه به دست آمد «مثنی» است.

ألوان حذف «ان» ← ألو «مفرد: لون» ← مثنی - جمع مکسر
طالبان حذف «ان» ← طالب «مفرد کلمه» ← مثنی - جمع مکسر

۳. جمع

- ۱ مذکر سالم
۲ مؤنث سالم
۳ مکسر

۱. جمع مذکر سالم

دارای دو علامت «وَنَ / ین» است.

اشتباهات متداول

کلماتی مثل «قوانین / سلاطین / شیاطین / تمارین / میادین / مجانین / ریاحین / دهاتین / موازین / عیون / جنون / بساتین / مساکین / عناوین / فساتین...» با اینکه انتهایش «ین» و یا «ون» دارند، ولی هیچکدام «مثنی / جمع» نیستند. برای تشخیص درست، باید «ین» یا «ون» را حذف کنید و اگر مفرد کلمه به دست آمد «مثنی / جمع مذکر سالم» است، ولی اگر مفرد آن به دست نیامد «جمع مکسر / مفرد» می‌باشد.

قوانین حذف «ین» ← قوان «مفرد: قانون» ← جمع مکسر - جمع مذکر سالم - مثنی
شیاطین حذف «ین» ← شیاط «مفرد: شیطان» ← جمع مکسر - جمع مذکر سالم - مثنی
مؤمنین حذف «ین» ← مؤمن «مفرد کلمه» ← جمع مکسر - جمع مذکر سالم - مثنی
«ین» بین «مثنی» و «جمع مذکر سالم» مشترک است؛
اگر «ین»؛ «کسر = ین» داشته باشد ← مثنی
اگر «ین»؛ «فتحه = ین» داشته باشد ← جمع مذکر سالم

۲. جمع مؤنث سالم

دارای علامت «ات» است.

اشتباهات متداول

کلماتی مانند «آیات / أصوات / أموات / نبات / ممات / سمات / إنبات / أوقات...» با اینکه انتهایشان «ات» دارند، ولی هیچکدام «جمع مؤنث سالم» نیستند. برای اینکه درست تشخیص دهید، باید «ات» را حذف کنید، و یک «ة» به آن اضافه کنید. اگر مفرد کلمه به دست آمد «جمع مؤنث سالم» است، ولی اگر مفرد آن به دست نیامد، جمع مکسر یا مفرد می‌باشد.

أصوات حذف «ات» ← أصوة «مفرد: صوت» ← جمع مؤنث سالم - جمع مکسر
جئات حذف «ات» ← جئة «مفرد کلمه» ← جمع مؤنث سالم - جمع مکسر

نکته

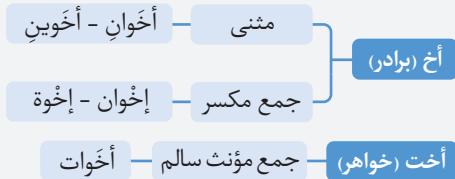
کلمات «بنات / أخوات / أمهات / سنوآت / أدوات / سماوات» با تغییرات کمی، جمع مؤنث سالم از «بنت / أخت / أم / سنة / أداة / سماء» هستند.

۳. جمع مکسر

قاعده خاصی ندارد و بیشتر سماعی است و آن‌ها را در درس‌های مختلف و بخش‌های مختلف کتابتان دیده‌اید. در اینجا فقط به هند مثال اکتفا می‌کنیم:

جمع مکسر	مفرد	جمع مکسر	مفرد
التلاميذ	التلميذ	المدارس	المدرسة
الرجال	الرجل	الكتب	الكتاب
الأعزاء	العزیز	البخلاء	البخیل
المساجد	المسجد	المصباح	المصباح

اشتباهات متداول



تستولوزی

فَلتؤمن أن للدنيا يومين! (فارغ ۸۸)

- جمع سالم للمذكر - معرفة!
- اسم - مثني - مذکر - نكرة!
- اسم - مثني - مذکر - معرف بالعلمية!
- اسم - جمع سالم للمذكر - نكرة!

پاسخ ۲ «ين» مربوط به «مثني» و «ين» مربوط به «جمع مذکر سالم» است؛ پس «يومين»، «مثني» است. [ردگزينه‌های «۱» و «۴»] «يومين» معرفه نیست. [ردگزينه‌های «۱» و «۳»]

- النباتات مثل البساتين المجاورة لها! (رياضی ۹۱)
- جمع تکسير - معرف بآل / مضاف إليه
 - اسم - مؤنث - مثني / صفة
 - اسم - جمع سالم للمذكر - معرف بآل / مضاف إليه
 - جمع مکسر - معرف بآل / صفة

پاسخ ۱ اگر «ين» را حذف کنید، «البسات» باقي می‌ماند که مفرد آن کلمه نیست، چون مفرد کلمه «البستان» است؛ پس «جمع مکسر» می‌باشد. [ردگزينه‌های «۲» و «۳»]

نقش «البساتين» مضاف إليه است. [ردگزينه‌های «۲» و «۴»]

- الناس يجتمعون واقفين على جانبي الطريق! (تجربی ۹۳)
- جمع سالم للمذكر - نكرة / صفة
 - جمع سالم للمذكر - اسم فاعل «مصدره: وقوف» / حال
 - اسم فاعل «مصدره: توقيف» - مثني - نكرة / صفة
 - اسم - مثني - اسم فاعل - نكرة / حال

پاسخ ۲ حرکت «ين» را نداده، پس یا «ين: مثني» یا «ين: جمع مذکر سالم» است که از روی فعل «يجتمعون» می‌توانید بفهمید «ين: جمع مذکر سالم» است. [ردگزينه‌های «۳» و «۴»]

«واقفين»؛ «حال» است. [ردگزينه‌های «۱» و «۳»]

فالإيرانيون بعد أن أسلموا حاولوا لكشف جميع زوايا هذه اللغة!:

- جمع تکسير - معرف بآل / مبتدا (هنر ۸۷)
 - اسم - جمع سالم للمذكر / مبتدا
 - اسم - مثني - مذکر / خبر مقدم
 - مثني - مذکر - معرف بالعلمية / صفة
- پاسخ ۲** علامت «ون» فقط مخصوص «جمع سالم للمذكر» است. [رد سایر گزينه‌ها]

وزن‌های مهم اسم

وزن‌های مهم اسم، شامل «اسم فاعل / اسم مفعول / اسم مبالغه / اسم تفضيل / اسم مكان» است که برای یادآوری، آن‌ها را در جدول زیر جمع‌بندی کرده‌ایم. به این جدول دقت کنید:

اسم	وزن	مثال
فاعل	فاعل / مؤنث	الصادقون لا يكذبون الحقائق حولهم! المؤمنون يشكرون ربهم!
مفعول	مفعول / مؤنث	المدير مسئول عن أعماله أمام الموظفين!
مبالغه	فعال / فعالة	إنّ ربّي علّم الغيوب!
تفضيل	أفعل / فاعلي	آسيا أكبر من أوروبا
مكان	مفعّل / مفعلة	أليس في المجلس أكبر من الأمير؟

چه طوری باب (اسم فاعل / اسم مفعول) را تشخیص دهیم؟

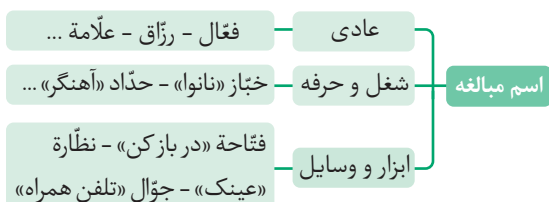
برای اینکه تشخیص دهیم اسم فاعل یا اسم مفعول از چه بابی ساخته شده است، باید حرف «م» را از ابتدای آن حذف کرده و به جای آن حرف «پ» قرار دهیم تا تبدیل به فعل شود و آن‌گاه با روش‌هایی که قبلاً یاد گرفته‌ایم، باب و مصدر آن را تشخیص دهیم.

اسم فاعل تبدیل (م) به (پ) فعل ← تشخیص باب اسم مفعول

- منتظر تبدیل (م) به (پ) منتظر ← باب «افتعال»
- متعلم تبدیل (م) به (پ) يتعلم ← باب «تفعل»

تکته

اسم مبالغه می‌تواند سه گروه باشد و علاوه بر این‌که از شما اسم مبالغه بودن آن را می‌پرسند، این‌که از کدام دسته است را نیز مورد سؤال قرار می‌دهند.



ضَبْطُ لُوزِي

در این بخش می‌خوانیم

حرکت‌گذاری «ت» در انتهای فعل ماضی، حرکت‌گذاری «ک» و «انت»، حرکت‌گذاری اوزان اسم، حرکت‌گذاری معلوم و مجهول، حرکت‌گذاری انواع «ان»، حرکت‌گذاری انواع «من»، حرکت‌گذاری «مثنی» و «جمع»، تنوین، آری یا نه! مسئله این است، حرکت‌گذاری اسامی بعد از حروف جر، حرکت‌گذاری «لَمَّ» و «لَمَّ»، حرکت‌گذاری موصوف و صفت، حرکت‌گذاری «آخر / آخر»، عربی را پاس بداریم، اعراب‌گذاری فعل مضارع، حرکت‌گذاری باب «افتعال»، حرکت‌گذاری باب «انفعال»، حرکت‌گذاری باب «استفعال»، حرکت‌گذاری باب «إفعال»، حرکت‌گذاری باب‌های «تفعیل» و «تفَعَّل»، حرکت‌گذاری باب‌های «مفاعلة» و «تفاعل»، حرکت‌گذاری باب‌ها به صورت ترکیبی، حرکت‌گذاری «کان» و «کَانَنَّ»، ضمیر + «ل» حرکت‌گذاری بر اساس اعراب کلمات، حرکت‌گذاری منادی

در سؤال فوق راجع از مبحث ضبط حرکات داریرا مبحث فیلی شیرینی هستش! اگر در سنامه رو فوب بفونین و تست‌ها رو با دقت بزنین، یقیناً از پس آن برمی‌آید! البته صورت سؤالات کنکور اکثراً «عین الفطء» هستش، ولی ما بیشتر «عین الصبیح» آوردیم تا بتوانید تمرین بیشتری داشته باشید!

گفتار ۱ حرکت‌گذاری «ت» در انتهای فعل ماضی

در برخی صیغه‌های فعل «ماضی»، ضمیر «ت» می‌آید که باید تشخیص دهید کدام یک (ت / تِ / تٌ) است.

ضمیر متصل	فعل ماضی	ضمیر منفصل (جدا)
ه	ذهب	هو
هما	ذهبا	هما
هم	ذهبوا	هم
ها	ذهبتن	هي
هما	ذهبتا	هما
هنّ	ذهبتن	هنّ
ک	ذهبت	أنت
کما	ذهبتما	أنتما
کم	ذهبتنم	أنتم
ک	ذهبت	أنت
کما	ذهبتما	أنتما
کنّ	ذهبتن	أنتن
ي	ذهبت	أنا
نا	ذهبتا	نحن

۱. ا. ث

با توجه به جدول، «ث» برای «للغائبة = مفرد مؤنث غایب» به کار می‌رود که این را می‌توانید اگر در جمله ضمیر «هي» دیدید یا اگر فعل به «جمع غیر عاقل» مربوط می‌شد، تشخیص دهید، در غیر این صورت می‌توانید از ساختار و شرایط جمله تشخیص دهید.

تست‌لوزی

- التلميذة شكرت ربّها في يوم الشدّة!
 (۱) شكرت (۲) شكرت (۳) شكرت (۴) شكرت
پاسخ ۱۴ از «التلميذة» و ضمیر «ها» در «ربّها» می‌توان فهمید که فعل برای «للغائبة» است و به شکل «شكرت» باید باشد.

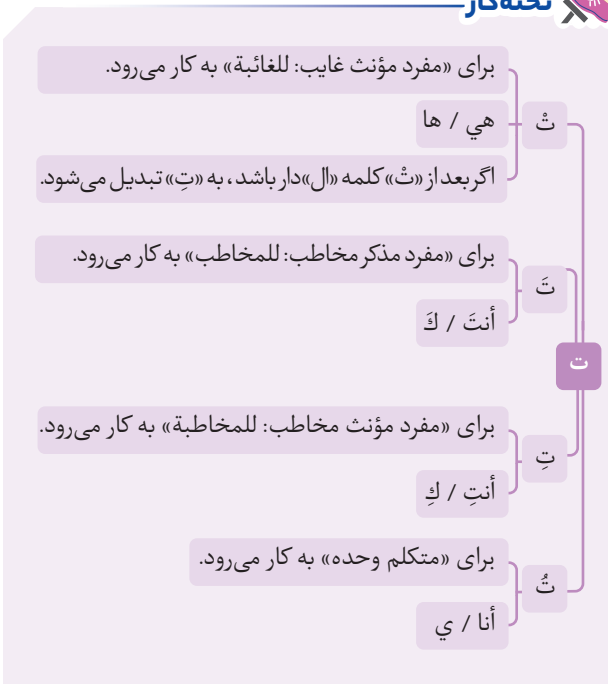
نکته

وقتی «ث» در انتهای فعل «ماضی للغائبة» به یک اسم «ال» دار برسد، چون نمی‌شود «ث» را خواند، به «ت» تبدیل می‌شود.

تست‌لوزی

- عصفت الريح بما لا تشتهي السفن!
 (۱) عَصَفَتْ (۲) عَصَفَتْ (۳) عَصَفَتْ (۴) عَصَفَتْ
پاسخ ۲ «عصفت» به «مفرد مؤنث: للغائبة» برمی‌گردد، پس باید «عَصَفَتْ» باشد، ولی چون «ث» به «ال» رسیده، قابل خواندن نیست و باید به شکل «عَصَفَتْ» باشد.

تخته‌گاز



۲. ت

با توجه به جدول قبل «ت» برای «للمخاطب = مفرد مذکر مخاطب» است، پس اگر در جمله ضمیر «أنت» باشد یا اگر در انتهای همین فعل یا فعل‌های دیگر یا یکی از اسم‌ها یا حرف‌های این جمله، ضمیر «ك» باشد، می‌توانید تشخیص بدهید، ولی اگر ضمیر نبود از ساختار جمله تشخیص بدهید.

? تستولوزی

- إلهي؛ قد سترت عليّ ذنوبي!

- (۱) سترت
- (۲) سترت
- (۳) سترت
- (۴) سترت

پاسخ ۱ چون خداوند را مورد خطاب و ندا قرار داده است، پس «سترت» به خدا برمی‌گردد و «للمخاطب» است و باید به شکل «سترت» باشد.

۳. ت

با توجه به جدول قبل «ت» برای «للمخاطبة = مفرد مؤنث مخاطب» است، پس اگر در جمله ضمیر «أنت» دیدید، یا اگر در انتهای همین فعل یا فعل‌های دیگر یا یکی از اسم‌ها یا حرف‌های این جمله ضمیر «ك» آمده باشد، می‌توانید تشخیص بدهید، در نهایت اگر هیچ یک از موارد گفته شده نبود، از ساختار جمله تشخیص دهید.

? تستولوزی

- يا أختي؛ هل ساعدتي في فهم الدروس الصعبة!

- (۱) ساعدت
- (۲) ساعدت
- (۳) ساعدت
- (۴) ساعدت

پاسخ ۲ چون «أختي» مورد خطاب قرار گرفته و «مؤنث» است، پس فعل باید برای «للمخاطبة» باشد، بنابراین «ساعدت» درست است.

۴. ت

با توجه به جدول قبل، «تُ» برای «للمتکلم وحده = اول شخص مفرد» به کار می‌رود، اگر در جمله ضمیر «أنا» دیدید، یا اگر در انتهای همین فعل یا فعل‌های دیگر یا یکی از اسم‌ها یا حرف‌های این جمله، ضمیر «ي» دیدید، قادر به تشخیص خواهید بود، اما اگر هیچ یک از آنها نبود، باید از ساختار جمله، تشخیص بدهید.

? تستولوزی

- أتممت عليكم نعمتي!

- (۱) أتممت
- (۲) أتممت
- (۳) أتممت
- (۴) أتممت

پاسخ ۴ از ضمیر «ي» در «نعمتي» کاملاً واضح است که فعل برای «متکلم وحده» می‌باشد و باید به صورت «أتممت» بیاید.

? تستولوزی

- عين الضحيح في ضبط حركات الحروف:

- (۱) أَيْتَهَا الْمُؤْمِنَةُ! اجْتَهَدْتُ فِي طَرِيقِ اكْتِسَابِ الْعِلْمِ!
 - (۲) ذَهَبَتِ الْأُمُّ إِلَى الطِّفْلَتَيْنِ وَ جَعَلَتْ تَمْرَةً فِي فَمِ كُلِّ مِنْهُمَا فَرَضِي اللَّهُ عَنْهَا!
 - (۳) سَأَلَ إِيْنَانٌ مِنَ الحَاضِرِينَ الخَادِمَ عَن سَبَبِ مَا فَعَلَهُ فَقَالَ سَقَطَتْ قَطْرَةٌ صَغِيرَةٌ!
 - (۴) كَانَتِ الْمَرْأَةُ وَاقِفَةً قَرَبَ الخِيْمَةِ وَ عَرَسَتْ حَنْجَرَهَا فِي الْأَرْضِ!
- پاسخ ۴** «كانت» به «المرأة: للغائبة» برمی‌گردد ولی چون «ت» به «ال» می‌رسد، به صورت «كانت» درآمده و درست است و از ضمیر «ها» در «حَنْجَرَهَا» نیز می‌توان فهمید که «عَرَسَتْ» کاملاً درست است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ از روی «أَيْتَهَا الْمُؤْمِنَةُ» واضح است که «اجْتَهَدْتُ» نادرست است چون برای «للمخاطبة» می‌باشد و باید به شکل «اجْتَهَدْتِ» بیاید.
- ۲ هر دو فعل «ذَهَبَتْ» و «جَعَلَتْ» به «الأم» برمی‌گردند، ولی چون «ذَهَبَتْ» به «ال» رسیده، به «ذَهَبْتِ» باید تبدیل شود، اما «جَعَلْتُ» نیازی به این تغییر ندارد.
- ۳ «سَقَطَتْ» به «قطرة: مفرد مؤنث: للغائبة» برمی‌گردد و بعد از آن اسم «ال» دار نداریم، پس باید به صورت «سَقَطْتِ» بیاید.

گفتار ۲ حرکت‌گذاری «ك» و «أنت»

همان‌طور که در نمودار قبل دیدید «ك» برای «للمخاطب» به‌کار می‌رود و «ك» برای «للمخاطبة» است.
 • أنت = فعلت = ك
 • أنت = فعلت = ك

? تست‌لوزی

- یا صدیقتی هل تُشجِّعین أولادك علی القراءة؟
 (۱) أولادك (۲) أولادك (۳) أولادك (۴) أولادك
پاسخ ۲: از «صدیقتی» و «تُشجِّعین» می‌توان فهمید که جمله برای «للمخاطبة» است و برای آن «ك» یعنی «أولادك» باید به‌کار رود.

گفتار ۳ حرکت‌گذاری اوزان اسم
۱. اسم فاعل

ثلاثی مجرد: بر وزن «فاعل» می‌آید؛ مثل: كاتب - عالم - كاظم
ثلاثی مزید: بر وزن «م...» می‌آید؛ مثل: مُتعلِّم - مُتجاوز

? تست‌لوزی

- یحکم الأمير علی المجرم فی المحكمة بالعدالة!
 (۱) المجرم (۲) المجرم (۳) المجرم (۴) المجرم
پاسخ ۲: در اینجا با توجه به معنی [پادشاه در دادگاه، به عدالت بر «مجرم: منتهم، گناهکار» حکم می‌کند]، اسم فاعل داریم و باید به صورت «م...» یعنی «المجرم» باشد.

۲. اسم مفعول

ثلاثی مجرد: بر وزن «مفعول» می‌آید؛ مثل: مکتوب
ثلاثی مزید: بر وزن «م...» می‌آید؛ مثل: مُنتظر - مُستخدَم

? تست‌لوزی

- الإنسان الناجح معتمد عند كل أصدقائه وأقربائه!
 (۱) الناجح - مُعتمد (۲) الناجح - مُعتمد
 (۳) الناجح - مُعتمد (۴) الناجح - مُعتمد
پاسخ ۱: «الناجح» اسم فاعل بوده و به شکل «الناجح» درست است. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»] با توجه به معنی: «انسان موفق، نزد همه دوستان و نزدیکانش مورد اعتماد واقع شده است.»؛ واضح است که «مُعتمد» صحیح است؛ چرا که اسم مفعول می‌باشد و باید بر وزن «م...» بیاید. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

۳. اسم مکان

بر وزن «مفعول» یا «مفعول» می‌آید.

? تست‌لوزی

- ذهب عليٌّ إلى متجر صدیقه!
 (۱) متجر (۲) متجر (۳) متجر (۴) متجر
پاسخ ۲: در اینجا «متجر = مغازه» اسم مکان است و می‌تواند بر وزن «مفعول» یا «مفعول» باشد که در اینجا «مفعول: متجر» درست است.

تشخیص «أنت» و «أنت»

«أنت» برای «للمخاطب» به‌کار می‌رود که می‌توانید از روی ضمیر «ك» در جمله یا فعل‌های ماضی و مضارع یعنی «فعلت» و «تفعل» تشخیص بدهید، ولی «أنت» برای «للمخاطبة» به‌کار می‌رود که این راه هم می‌توانید از روی ضمیر «ك» در جمله یا فعل‌های ماضی و مضارع «فعلت» یا «تفعلین» تشخیص بدهید.

• أنت = فعلت = تفعل = ك

• أنت = فعلت = تفعلین = ك

۴. اسم تفضیل

برای مذکر بر وزن «أفعل» و برای مؤنث بر وزن «فعلی» می‌آید.

تخته‌گاز

? تست‌لوزی

- عین الصَّحیح فی ضبط حركات الحروف:

- (۱) اِشْتَهَرَ الكُتَابُ المُسَلِّمُونَ بِکِتَابَاتِهِمُ الْعِلْمِيَّةِ!
- (۲) يَحْكُمُ الأميرُ عَلَيَّ المُجْرِمِ فِي المَحْكَمَةِ بِالْعَدَالَةِ!
- (۳) و ما أَرْسَلْنَا المُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ!
- (۴) جَعَلَ اللهُ المُسْتَضْعِفِينَ وَارثِينَ الأَرْضِ!

پاسخ ۳: با توجه به معنی: «و فرستاده‌شدگان را جز بشارت‌دهنده و اندازنده نفرستادیم.» واضح است که «المُرسلين» اسم مفعول و «مُبَشِّرِينَ / مُنذِرِينَ» اسم فاعل هستند و اعراب هر دو، صحیح است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ «مسلم» یعنی «گرویده به اسلام»؛ پس اسم فاعل است و باید به صورت «المُسَلِّمُونَ» باشد.
- ۲ «مجرم» معنی «گناهکار» می‌دهد؛ پس اسم فاعل است و باید به صورت «مُجْرِم» باشد.
- ۴ «مُسْتَضْعِفِينَ» اسم مفعول است و معنی «ضعیف‌شدگان» می‌دهد، پس باید به صورت «مُسْتَضْعَفِينَ» باشد.

مبحث اول

واژگان دهم

درس ۱
ذالِكَ هُوَ اللهُ

لغات درس

قاعة المطار سالن فرودگاه	ذات صاحب، دارای	آخرین آیندگان
قُل «قال، يَقُولُ» بگو	ذاك آن	إِنْحَثْ «بَحَثْ، يَبْحَثُ» جست و جو کن
كَمَلْ «كَمَّلَ، يَكْمَلُ» کامل کن	رَخِيس ارزان	إِغْبَار تیره رنگی، غبارآلودگی
لِسَانُ صَدِيقٍ یادی نیکو	رَقَدَ «رَقَدَ، يَرْقُدُ» خوابید، بستری شد	أَرَادِلُ «مفرد: أَرْدَلُ» انسان های پست و بی مقدار
لِمَ چرا، برای چه؟	زَان «زَان، يَزِينُ» آراست، زینت داد	أَفْاضِلُ «مفرد: أَفْضَلُ» انسان های شایسته
مُرَاجَعَةٌ مرور کردن	زُجَاجَةٌ شیشه	أَنْجُمُ «مفرد: نَجْم» ستاره ها
مُسْتَعْرَظَةٌ فروزان	شراء خریدن	أَنْزَلَ «أَنْزَلَ، يُنْزِلُ» نازل کرد
مُسْتَعِينًا بِا كَمِكِ	شَرَرَةٌ پاره آتش، اخگر	أَنْعَمُ «مفرد: نِعْمَةٌ» نعمت ها
مَسْمُوحٌ مجاز	شَقَّ «شَقَّ، يَشِقُّ» شکافت	أَوْجَدَ «أَوْجَدَ، يُوجِدُ» به وجود آورد
مَعَ الْأَسْفِ متأسفانه	ظلمات «مفرد: ظلمة» تاریکی ها	بَالِغٌ کامل، تمام
مَطَارٌ فرودگاه	عُدْوَانٌ دشمنی	بَطَّارِيَةٌ باتری
مَطَرٌ باران	صوم روزه	تَرْجِمٌ «تَرْجِمَ، يُتْرَجِمُ» ترجمه کن
مِفْتَكَرَةٌ اندیشمند	صَبَّيْرٌ «صَبَّيْرٌ، يُصَبِّرُ» گردانید	تَعَاوَفٌ آشنا شدن
مُنْتَشِرَةٌ پخش شده	ضَعَّ «وَضَعَ، يَضَعُ» بگذار، قرار بده	تَعِيشٌ «عَاشَ، يَعْيشُ» زندگی می کنی
مُنْهَمِرَةٌ ریزان	ضياء نور	جَدْوَةٌ پاره آتش
مَوْظَفٌ کارمند	عَيِّنَ «عَيَّنَ، يُعَيِّنُ» تعیین کن، مشخص کن	جَهَّزَ «جَهَّزَ، يُجَهِّزُ» مجهز کرد
نَضِرَةٌ تروتازه	غالي گرانی	حَبَّةٌ دانه
نَمَتْ «نَمَا، يَنْمُو» رشد کرد	عُصُونٌ «مفرد: عُصْنٌ» شاخه ها	خِرَارَةٌ گرما
هَلَكٌ «هَلَكَ، يَهْلِكُ» هلاک شد	غَمِيمٌ ابر	خَصَدٌ «خَصَدَ، يَخْصُدُ» درو کرد
يُخْرِجُ «أَخْرَجَ، يُخْرِجُ»	فَائِزٌ برنده، پیروز	خُسْرَانٌ زیان
خارج می کند، بیرون می آورد	فَوَاحٍ [جای] خالی	خَضِرَةٌ سرسبز
يَدُورُ «دَارَ، يَدُورُ» می چرخد	فُسْتَانٌ پیراهن زنانه	دَارٌ «دَارَ، يَدُورُ» چرخید
	فَطُورٌ صبحانه	دُرٌّ «مفرد: دُرٌّ» مرواریدها
	قاعة سالن	ذَا این

مترادفها

مُجْتَهِدٌ = مُجِدِّ كَوْشَا	ضياء = نور نور
خُسْرَانٌ = ضَرَرٌ زِيَان	فَتَّشٌ = بَحَثَ عَنْ جِسْت و جَو كَرْد
أَنْجُمٌ = كَوَاكِبٌ سِتَارَهَا	مَسْمُوحٌ = جَائِزٌ مَجَاز
مَلَابِسٌ = أَتْوَابٌ لِبَاسِهَا	
غالي = باهِظٌ گران بها	
بالغ = تامٌ كامل	

صار = أصبح شد، گردید
جدوة = شررة اخگر، پاره آتش

مُسْتَعْرَة = مُسْتَعْلَة فروزان
أَنْعَم = موهب = نَعَم نعمت‌ها
رَقْدًا = نام خوابید
وَضَع = جَعَلَ قرار داد

يَعِيش = يَسْكُن زندگی می‌کند
زَان = زَيْن آراست
غَيْم = سَحَاب ابر
فَاتِر = نَاجِح برنده، پیروز

متضادها

خزين ناراحت ≠ مسرور خوشحال	حُسران زيان ≠ نَفَع سود	غداً فردا ≠ أمس ديروز
قصير کوتاه ≠ طويل بلند	زَرَع کاشت ≠ حَصَد برداشت کرد	أراذل انسان‌های پست ≠ أفاضل انسان‌های
بداية آغاز ≠ نهاية پايان	حرارة گرما ≠ برودة سرما	ارزشمند
يُخْرِج خارج می‌کند ≠ يَدْخُل وارد می‌کند	ناجِح برنده ≠ راسب مردود	غالي گران ≠ رخيص ارزان
ذات دارای ≠ بلا بدون	بعيد دور ≠ قريب نزديک	بالغ کامل ≠ ناقص ناقص
قبيح زشت ≠ جميل زيبا	تعيش زندگی می‌کني ≠ تموت می‌ميري	يسار چپ ≠ يمينا راست
	ممنوع ممنوع ≠ مسموح مجاز	قليل کم ≠ كثير زياد
	ضياء روشني ≠ ظلمة تاریکي	شراء خريدن ≠ بيع فروختن

جمع مکسر

جُمْل • جملة جمله	عُصون • عُصن شاخه	عُيُوم • عَيم ابر	أَنَمَة • إمام پیشوا
أحجار • حجر سنگ	ألوان • لون رنگ	دُرر • دُر مرواريد	أعداء • عدد عدد
أعداء • عدو دشمن	فُصول • فصل فصل	أبحاث • بَحْث تحقيق، پژوهش	أَنجُم • نجم ستاره
	نَعَم • نعمة نعمت	عقارب • عقربة عقربه	أَنفُس • نفس نفس

متشابهات

سَار، يَسِيرُ حرکت کردن ~ صَارَ، يَصِيرُ شدن
أَخْرِين آیندگان ~ أَخْرِين ديگران
ضياء روشنايي ~ ضوء نور
عَيم ابر ~ قيمة ارزش
فَسَاتِين لباس‌های زنانه ~ بَسَاتِين بوستان‌ها
جَدوة پاره آتش ~ جَذع تنه درخت
أَنْعَم نعمت‌ها ~ أَنْعَم بخشيد
وَجَد، يَجِد يافتن ~ أَوْجَد، يُوجِد پديد آوردن
مُسْتَعْرَة فروزان ~ مُنْهَمَرَة ريزان ~ مُنْشَرَة پراکنده
خَرَج، يَخْرُج خارج شدن ~ أَخْرَج، يُخْرَج بيرون آوردن ~ تَخْرَج، يَتَخْرَج دانش آموخته شدن
ناصِر ياری‌کننده ~ مَنصُور ياری شده ~ أنصار ياری‌کنندگان
جَميل زيبا ~ جَمال زيبايي ~ جَمَل جمله‌ها
صَبَّار بسيار صبور ~ صَبُور شكيبا ~ صابر شكيبا
حَبَّة دانه ~ حُبَّ عشق ~ حَبَّ قرص
غداً فردا ~ غداء ناهار ~ عَداء آغاز روز ~ عُداء دشمنان
سَمَح، يَسْمَح اجازه دادن ~ مَسْمُوح مجاز ~ سَمِعَ، يَسْمَع شنيدن ~ سامع شنونده
مَطار فرودگاه ~ طائِرة هواپيما ~ طيار خلبان ~ طير پرنده ~ قَطار قطار
نَظَرَة ديدگاه ~ نَصِرَة ترو تازه ~ نَظَر، يَنْظُر نگاه کردن ~ أَنْظَر نگاه می‌کنم ~ أَنْظُر نگاه کن

مُرُورٌ مُتَوَسِّطَةٌ أَوَّلٌ

دقت کنید که برخی مطالب را که شما در کتاب‌های متوسطه دوم دارید، در مبحث مرور متوسطه اول نیآورده‌ایم و در همان مبحث متوسطه دوم بررسی کرده‌ایم که عبارتند از:

((موصوف و صفت ← ترکیبات وصفی اضافی)) / ((شناخت عدد، ساعت، روز، ماه و سال ← عدد و معدود)) / ((امر ثلاثی مزید ← ثلاثی مجرد و مزید)) / ((فعل مستقبل ← اعراب فعل مضارع)) / ((فعل نفی و نهی ← اعراب فعل مضارع))

گفتار ۱ شناخت انواع کلمه

کلمه در عربی به سه دسته «فعل / اسم / حرف» تقسیم‌بندی می‌شود که در اینجا قصد داریم به‌طور کامل همه این سه دسته را بررسی کنیم.

۱. فعل

معنای انجام شدن کاری و یا روی دادن حالتی را در **زمان مشخص** دارد و دارای شخص (**صیغه**) است: یعنی کلمه‌ای هست که **زمانش مشخصه مثلاً نشون** می‌ده مربوط به گذشته، حال یا آینده هست و هم مشخصه مربوط به **چه اشخاصیه مثلاً** برای یک آقا، دو آقا یا پندر آقا و یا مربوط به **فانوماس**.

• **طَلَبٌ «خواست» - تکنبیین «می‌نویسی» - اجْعَلُ «قرار بده» ...**

اشتباهات متداول

وزن «فعل» می‌تواند «فعل ماضی» یا «مصدر» باشد، که باید از معنی تشخیص دهید:

طلب الله من الإنسان عبادته!

در اینجا با توجه به معنی: «خدا از انسان عبادتش را خواست.»؛ «طَلَبٌ» فعل است.

طلبی من أبي خمسون مليوناً

با توجه به معنی: «طلب من از پدرم، پنجاه میلیون است.»؛ «طَلَبٌ» مصدر است.

نکته

تمامی مصادر فعل‌های ثلاثی مزید نیز «اسم» هستند، پس آنها را با فعل اشتباه نگیرید. آن‌ها را برای شما یادآوری می‌کنیم:

مفَاعَلَةٌ	مکاتبة	مکاشفة
إِفْعَالٌ	إِعْصَارٌ	إِنْذَارٌ
اِفْتِعَالٌ	اِكْتِشَافٌ	اِرْتِزَاقٌ
اِنْفِعَالٌ	اِنْكَسَارٌ	اِنْتِصَارٌ
اِسْتِفْعَالٌ	اِسْتِكْبَارٌ	اِسْتِخْدَامٌ
تِفَاعُلٌ	تِظَاهِرٌ	تِکْمَلٌ
تِفْعَلٌ	تِقْدُمٌ	تَأْخُرٌ
تِفْعِيلٌ	تِکْثِيرٌ	تِکْبِيرٌ

۲. اسم

معنای کاملی دارد و بر «فرد / شیء و ...» دلالت می‌کند، ولی برخلاف فعل، «زمان» و «صیغه» ندارد؛ یعنی مشخص نیست در چه زمانی رخ داده است و برای چه اشخاصی است.

• مکتبة «کتابخانه» - مَطَرٌ «باران» ...

اشتباهات متداول

جلوتر می‌خوانیم که در انتهای «۴» صیغه فعل ماضی «ت» ظاهر می‌شود که عبارتند از: «ث: للغائبه» / «ت: للمخاطب» / «ت: للمخاطبه» / «ث: للمتکلم وحده» که در حالت‌های «ت / ت / ت» ضمیر است و جزء «اسم» به‌شمار می‌رود، ولی در حالت «ث» نشانه مؤنث بودن است و جزء فعل می‌باشد و اسم محسوب نمی‌شود.

تست‌لوزی

- عَيْن الصَّحِيح في اختلاف عدد الأفعال و الأسماء:

- لاينفعنا من العلم إلا ما نستفيد منه و نعمل به في حياتنا اليوميّة! سبعة
- الطالب من اعتقد أنّ التعلّم جزء من وجوده فلا ينفصل منه أبداً: سبعة
- المؤمن لا يبطل ما أنفقه في سبيل الله بالمنّ والأذي ، فإنّ عمَل يضيّع جزاءه! خمسة
- من المعلمين من يضحّي نفسه لبناء المجتمع رفيعاً محكماً ، و هو لا يتعب في هذا الطريق! : تسعة

پاسخ ۳ «لا يبطل / أنفق / عمَل / يضيّع» فعل و «المؤمن / ما / ه / سبيل / الله / المنّ / الأذي / جزاء / ه» اسم هستند و اختلاف آن‌ها «۵» است. دقت کنید که در اینجا «عمَل» داریم و فعل است: «مؤمن آنچه را در راه خدا انفاق کرد، با منت و اذیت باطل نمی‌کند، پس اگر آن را انجام دهد، جزایش را ضایع کرده است.»

بررسی سایر گزینه‌ها:

- «فعل: لا ينفع / نستفيد / نعمل» / «اسم: نا / العلم / ما / ه / ه / حياة / نا / اليوميّة» دقت کنید که «من»ها هر دو «من» اند: تنها چیزی از علم به ما سود می‌رساند که از آن استفاده می‌کنیم و در زندگی روزمره مان به آن عمل می‌کنیم.»
- «فعل: اعتقد / لا ينفصل» / «اسم: الطالب / منّ / التعلّم / جزء / وجود / ه / ه / ه / أبداً» دقت کنید که «من»ها به ترتیب «منّ / من» هستند: «دانش‌آموز کسی است که اعتقاد دارد که یادگیری بخشی از وجودش است و هرگز از آن جدا نمی‌شود.»
- «فعل: يضحّي / يبني / لا يتعب» / «اسم: المعلمين / منّ / نفس / ه / ه / بناء / المجتمع / رفيعاً / محكماً / هو / هذا / الطريق» دقت کنید که «من»ها به ترتیب «منّ / من» هستند. «از معلم‌ها کسی است که خودش را فدا می‌کند تا ساختمان جامعه را بلند و مستحکم بنا کند و او در این راه خسته نمی‌شود.»

بپه‌ها بیشتر کلمه‌ها تو زبون عربی اسم محسوب میشن! حالا به سری نشونه برای تشخیص اسم در جمله وپور داره که شامل ۹ دسته میشه و عبارتند از:

انواع اسم‌ها

- همه «ضمایر» ← هو - هما - هم - ك - كما - کم ...
- اسامی اشاره ← هذا - هذه - هؤلاء - أولئك ...
- کلمات پرسشی به جز «هل / أ» ← أين - متى - كيف - من - ما ...
- تمامی مصدرهای ثلاثی مجرد و مزید ← صَبْر - تقدیم - مُجَاهِدَة ...
- تمامی کلماتی که «ال / ة / تنوين» دارند ← المسلمة - تلميذاً ...
- قیدهای مکان و زمان ← عند - قبل - بعد - بين - أمام ...
- هر کلمه سه حرفی که وسط آن «ث» باشد ← عِلْم - دَرْس - جَهْل ...
- کلماتی که پس از حروف «ندا» قرار گیرند. ← يا علي - يا حسين ...
- کلماتی که پس از «حروف جرّ / حروف قسم» قرار گیرند ← في المدرسة - والله

۳. حروف

به تنهایی معنای کاملی ندارند، بین «اسم‌ها» و «فعل‌ها» ارتباط برقرار می‌کنند و برای تکمیل جمله استفاده می‌شوند. بپه‌ها دسته‌بندی حروف مختلف رو در رسای بعری بهتون آموزش می‌دیم ولی پون شما دوازدهم هستین، در سالای قبلی با این حروف آشنا شدرین پس اینها هم براتون میاریم که ریگه کامل یاد بگیرین!

انواع حروف

- حروف عطف ← و - ف - ثمّ ...
- حروف جرّ ← في - إلى - من - ل - ب - علی ...
- حروف ناصبه ← أن - لن - كي - لكي - حتّى - ل
- حروف شرط و جازمه ← إن - لم - لا «نهی» - ل «جازمه»
- حروف مشبهة بالفعل ← إنّ - أنّ - كأنّ - لكنّ - لعلّ - ليت
- حروف استفهام ← أ - هل - أين ...
- سایر حروف: إلا - إثمّا - قد - س - سوف ...

اشتباهات متداول

«من» می‌تواند «منّ» باشد که معنی «از» می‌دهد و جزء «حروف جرّ» است، ولی «منّ» می‌تواند «اسم شرط»، «اسم موصول» یا «اسم استفهام» باشد که در آن صورت «اسم» محسوب می‌شود.

